

مقدمه نویسی ها و مقالاتی چند

زهره پیرحیاتی

www.ketab.ir

سرشناسه	: پیرحیاتی، زهره. ۱۳۵۷.
عنوان و نام پدیدآور	: مقدمه‌نویسی‌ها و مقالاتی چند/زهره پیرحیاتی.
مشخصات ناشر	: تهران، محراب. ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۲ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-600-8568-28-5
وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا	
موضوع	: کتابنامه.
موضوع	: مقله‌های فارسی - قرن ۱۴
موضوع	: Persian essays - 20th century
موضوع	: دیباچه و دیباچه‌نویسی
موضوع	: Prefaces
رده‌بندی کنگره	: PIR۷۹۵۳
رده‌بندی دیویی	: ۸۱۴/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۶۲۷۲۰۵
وضعیت رکورد	: فیبا



انتشارات محراب

مقدمه‌نویسی‌ها و مقالاتی چند

زهره پیرحیاتی

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

شابک: 978-600-8568-28-5

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: کیمیای حضور

تلفکس: ۳۶۶۵۵۰۶۲؛ تلفن همراه ۰۹۳۶۱۴۶۸۶۳۲

Email: entesharatmehrab@gmail.com

«کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است»

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار
۱۵	سه بال پرنده
۱۷	از نهانوند تا ماندال
۲۰	گرافیک... است (سه بال پرنده، سه نقطه)
۲۵	حکمت پشت دل و هنر عکاسی
۳۴	نقدی بر کتاب چیدمان کتیبه‌های عشق
۴۶	دلم را نقاشی می‌کنم
۵۱	نقدی بر کتاب شمع و شاهد نقاشی‌ها
۵۳	نقاشی‌نویسی و علم بیداری
۸۰	پراکنده‌های پرنده
۸۲	تصویر سرای رولان بارت و سالک ایرانی
۸۶	رولان بارت و سالک ایرانی
۹۵	پازوک و سالک ایرانی
۱۰۰	گرافیک و شعر سپید
۱۰۲	میانجی فعالیت ارنست کاسیرر و میانجی ذات سالک ایرانی
۱۰۹	زبان اسطوره‌ی ارنست کاسیرر و زبان علم دیداری سالک ایرانی
۱۱۲	مهر و مهر زندگی با حکمت پشت دل
۱۲۳	اسب سپاس و سالک ایرانی
۱۳۶	آشنایی با حکمت پشت دل
۱۴۷	حکمت انسی عباس معارف و حکمت پشت دل سالک ایرانی
۱۶۶	سوگواری رولان بارت برای مادرم
۱۷۱	باد فیلیل نوشت‌های سالک ایرانی
۱۷۷	استعاره، تمرین و تمثیل‌های اکت
۱۸۰	حکمت پشت دل و اکت

مقدمه‌ها و مقالات کتاب حاضر با رویکردی تطبیقی به رشته‌ی تحریر درآمده‌اند. تمامی مقدمه‌ها بر بیش از بیست اثر از محمد پیرحیاتی (مونس)، نویسنده، پژوهشگر، نقاش، عکاس، خطاط و چیدمان کار ساکن نروژ به نگارش درآمده‌اند که فقط گوشه‌ای از آثار وزین و پرمایه یایشان را باز می‌نمایاند.

معمولاً این گونه است که برای نوشتن یک مقدمه، متنی که قرار است مورد خوانش قرار گیرد تا مقدمه‌ای در راستای آن نوشته شود، تمامی فکر و اندیشه‌ی آدمی را درگیر خود می‌کند، ولی شاید این «تجربه‌ی بین‌راهی» را که اکنون می‌خواهیم بازگو نمایم، چیزی درخور توجه باشد.

زمانی که «مقدمه‌نویسی» درباره‌ی یک متن یا کتاب تنها یک‌بار مورد توجه قرار می‌گیرد معلوم است که «موضوع و موضوع» شناسی آن اثر آدمی را تا مدتی کوتاه درگیر خود می‌نماید، اما زمانی که قرار است «مقدمه‌نویسی» درباره‌ی یک دنیا، یک جهان‌بینی یا یک جریان در مسیر تکامل اندیشگی انسان، شکل بگیرد، دیگر موضوع و مسئله متفاوت است.

من با «مقدمه‌نویسی» بر آثاری آغاز به کار کردم که نه تنها جهانی را قرار بود در هر متنش دارای زوایای متفاوتی نشان دهد تا متن را کشف و دریافت کرده باشم، بلکه قرار بود و هست پس از فهم این جهان نهفته در متن بتوانم قابلیت انتقال یک حجم وسیع و عمیق را در چند سطر به شکلی خلاصه شده ارائه نمایم که شاید سخت‌ترین بخش ماجرا همین بود.

نکته‌ی حائز اهمیت در این «مقدمه‌نویسی»‌ها مطالعات مستقیم و غیرمستقیمی بود که به خاطر هرچه بهتر فهمیده شدن این متون داشتم و

^۱ . تمامی اصطلاحات درون گیومه از محمد پیرحیاتی (مونس) است.

اگر این «مقدمه‌نویسی»‌ها نبود از فیض و معرفت آن محروم می‌شدم. در طول این «مقدمه‌نویسی»‌ها من با کتاب‌های گوناگونی آشنا شدم که هریک در عرصه‌ی ادب، هنر، حکمت و فلسفه و... دارای ارزش جهانی بوده و هستند.

شاید با خواندن این «کتاب‌های تکمیلی» در راستای فهم بهتر متونی که قرار بود برایشان مقدمه بنویسم به مسیری افتادم که امروز خود این کتاب‌ها نه تنها بخشی از کتابخانه‌ی شخصی‌ام را شکل داده‌اند، بلکه در تأثیرگذاری‌اشان بر رشته‌ی تحصیلی‌ام - روان‌شناسی - خود را قابل تأمل نشان می‌دهند.

«مقدمه‌نویسی» به من آموخت که یک متن دارای چند چشم و گوش است که تنها بخشی از آن را می‌توان از خود آن متن به عاریه گرفت و برای مابقی بایستی به کتاب‌ها و متون تکمیلی دیگری مراجعه نمود. «مقدمه‌نویسی» آن هم درباره‌ی یک اندیشه در فرایند تکاملی و متعالی به آدمی جسارت و دلیری در «اندیشیدن» و «اندیشیدن در راه» را می‌بخشد و با این «مقدمه‌نویسی»‌ها دریافتم که زندگی همان اندازه در متن قابل زیستن است که خارج از متن.

«مقدمه‌نویسی» مرا با فضاهایی آشنا کرد که دیگر در آن متن ادامه نداشت، بلکه مرا به متن دیگری در زندگی یعنی جزئیات زندگی سوق می‌داد تا قابلیت تجربه‌اش را به شکل عملی نیز به دست آورم.

اگر مقدمه‌های حاضر را نمی‌نوشتم شاید سال‌های سال پی نمی‌بردم که «هنر گرافیک» به عنوان هنری با بیان بصری دارای ظرفیتی با بیان زبانی است که این دو باردار معرفت در سیر تکامل اندیشگی انسان اساطیری تحت عنوان «نماد» بوده‌اند.

اگر این مقدمه‌ها را نمی‌نوشتم شاید سال‌های سال طول می‌کشید تا دریابم هنر عکاسی بخشی از وجود خود را همواره در «نماد» به جای

می‌گذارد همان‌طور که عکس، زیرا هر دو از «عدسی» مشترکی میان چشم انسان امروز و دوربین عکاسی برخوردارند که انسان اساطیری نیز از آن برخوردار بود.

اگر این مقدمه‌ها را نمی‌نوشتیم سال‌های سال شاید زمان می‌برد که دریابیم چه قابلیت تطبیقی عمیقی میان «اکت» با «حکمت پشت دل» است که در این متون جریان داشت و من هرچه بهتر به آن‌ها پی بردم.

اکنون که نگاهی عمیق‌تر به این «مقدمه‌نویسی»‌ها می‌کنم، دارای دنیایی گشته‌اند که گاهی اوقات از بیرون که به آن‌ها نگاه می‌کنم، تجسم آفریدن چنین متونی تحت عنوان مقدمه اندکی برایم سخت و دشوار نشان می‌دهد؛ چراکه هر اندیشه در لحظه مانند دانه‌ای است که کاشته می‌شود و طولی نخواهد کشید که تبدیل به درختی خواهد شد و من اینک شاهد دانه‌ی خود به شکل درخت در متولی هستم تحت عنوان «مقدمه‌نویسی».

«زهره پیرحیاتی»

(دکترای روانشناسی از دانشگاه تهران)